

چکیده:

همبستگی نیز با آزمون t، در سطح اطمینان ۹۹٪، محاسبه شد. ابزار گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای، روش مصاحبه و همچنین دریافت و مشاهده‌ی لیست نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی دروس مهارتی دانش‌آموزان می‌باشد.

پس از آزمون فرضیه‌ها؛ نتایج آن، به طور خلاصه چنین شد: «بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری و عملی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌های کار دانش دخترانه و پسرانه‌ی شهرستان محمودآباد مازندران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ رابطه وجود دارد.»

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌ها و ارائه‌ی رهنمودها به مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی می‌باشد. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌های کار دانش شهرستان محمودآباد در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۷۸ به تعداد ۳۳۰ نفر بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای سپس روش تصادفی ساده ۱۸۱ نفر به عنوان نمونه‌ی تصادفی انتخاب شدند. روش پژوهش، همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای است و معناداری ضریب

بررسی رابطه بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی

در دروس مهارتی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌های کار دانش شهرستان محمودآباد مازندران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

کلیدواژه‌ها: علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، دروس مهارتی، کار دانش.

پژوهشگر: مریم حسین پور / استاد راهنما: دکتر رمضان حسن زاده / استاد مشاور: محمد تقی مداح

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

مقدمه:

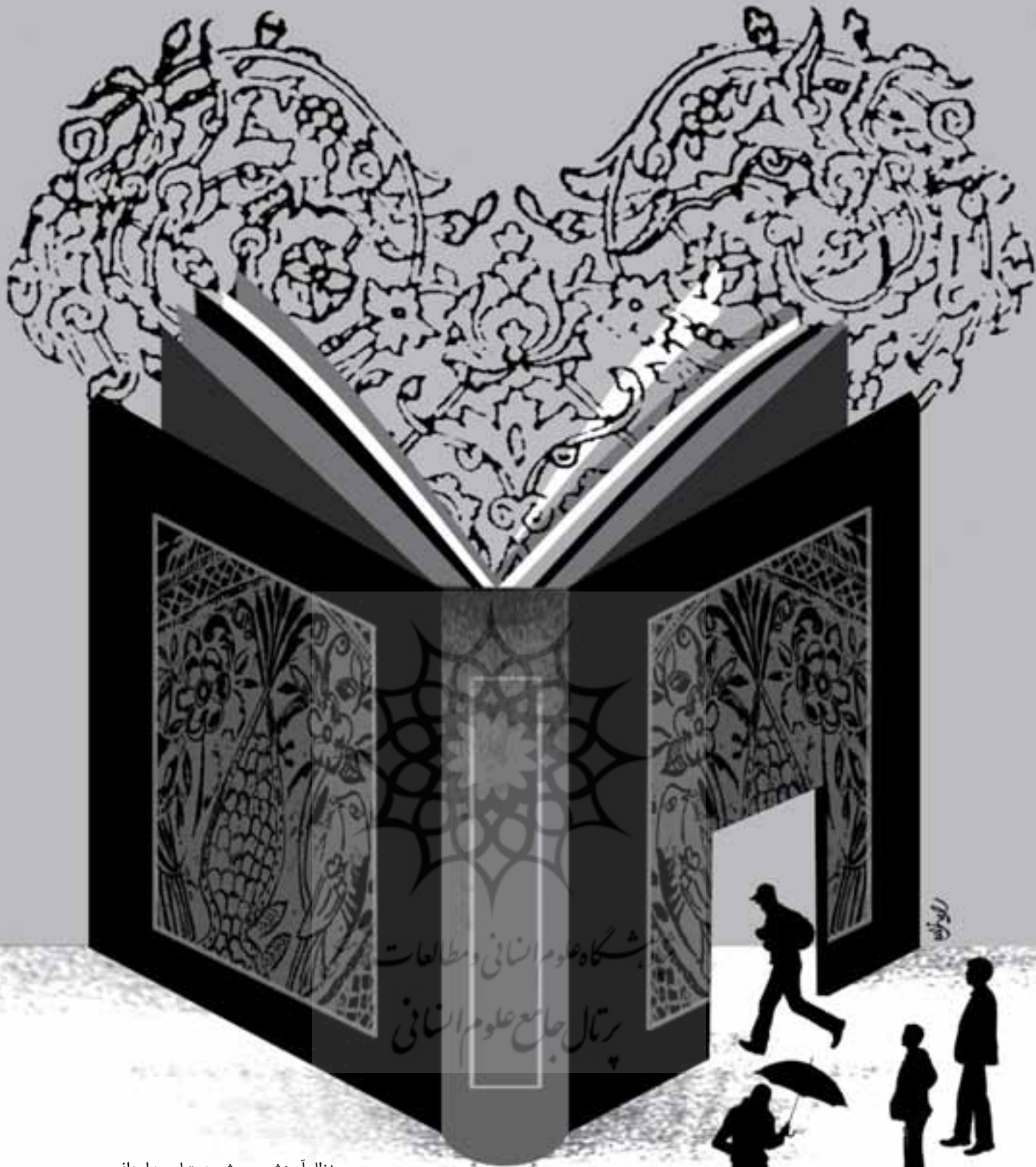
آموزش و پرورش به جهت نقش مهم و خطیری که در امر تعلیم و تربیت نسل آینده‌ساز و فرایند اجتماعی شدن دانش‌آموزان به عهده دارد، یکی از نهادهای مهم و زیربنایی در جامعه به شمار می‌رود به همین علت مقادیر زیادی از منابع مالی و انسانی را به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت: آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

نظام آموزش و پرورش پویا و کارآمد، از همه‌ی توانمندی‌های موجود بهره می‌گیرد تا یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در بالاترین سطح ممکن حاصل شود. بنابراین برای دستیابی به بازده مطلوب، به تمام عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان توجه می‌کند. از جمله عوامل موثر

در پیشرفت تحصیلی، علاقه به رشته‌ی تحصیلی است. بی‌علاقگی به رشته‌ی تحصیلی، ممکن است انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی را کاهش دهد و یا از بین ببرد؛ در نتیجه، افت تحصیلی، پدیده‌ی مردودی و ترک تحصیل که از مشکلات و آفات هر نظام آموزشی است، بروز می‌کند. این آفت، هر ساله، مبالغ هنگفتی خسارت و زیان اقتصادی برای دولت و خانواده‌ها به وجود می‌آورد. علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، ریشه‌ی بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها، نا بسامانی‌ها و آشفتگی‌های روانی - عاطفی نیز به شکل مستقیم و غیر مستقیم، مرتبط با افت تحصیلی است. این مسئله در تمام مقاطع تحصیلی، به خصوص در دوره‌ی متوسطه فنی حرفه‌ای، از این قاعده مستثنی نیستند.

شاخه‌ی کار دانش در مهر ماه ۱۳۷۲ به صورت

رسمی و غیر آزمایشی فعالیت خود را آغاز کرد. این شاخه، شاخه‌ای از نظام جدید است که با استفاده از مراکز تولیدی و خدماتی، بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و با احداث مراکز خاص، به منظور جذب و تشویق دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند برای کسب مهارت‌های مورد نیاز جامعه و گسترش آموزش آن‌ها به تناسب امکانات و بر اساس مقررات، ایجاد شد (منبع شماره‌ی ۳۲). به عبارتی دیگر، هدف شاخه‌ی کار دانش، تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه ماهر، ماهر، استاد کار و سرپرست کارگاه برای بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات و احراز آمادگی نسبی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در رشته‌های خاص علمی-کاربردی است. اهداف جزئی آن پرورش روحیه‌ی کار آفرینی به جای کارجویی، گسترش سریع و فراگیر شدن



نظام آموزش و پرورش، دستیابی به اهداف آموزشی مورد نظر در هر دوره است (فتیحی نیا، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵). مقصود از درس مهارتی، آن دسته از درس‌های اختصاصی شاخه‌ی کاردانش است که از طریق آنها، مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای اشتغال به یک کار مفید به صورت نظری و عملی، بر اساس استانداردهای مهارتی ملی و بین المللی مربوط، آموزش داده می‌شود (عباس پور، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱).

دارد. این مشکلات عبارتند از: ناشناخته بودن آن برای دانش‌آموزان، جدید و نوپا بودن نظام آموزشی کاردانش، انتخاب اجباری نه از روی علاقه در رشته‌ی انتخابی در حین تحصیل. این مشکلات ممکن است موجب عدم موفقیت و پیشرفت تحصیلی^۱ شود، موفقیت در امر تحصیل می‌تواند به مهارت در امری خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود. منظور از پیشرفت تحصیلی در

آموزش‌های مهارتی به دلیل ظرفیت بالای سازگاری روش‌های اجرایی و محتوایی، رشته‌های مهارتی با نیاز-های ملی، محلی و منطقه‌ای، سازماندهی، طراحی و جهت‌گیری‌های آموزش‌های متوسطه می‌باشد. البته، مشکلاتی جهت اجرای این اهداف وجود



ص ۱۸۳)

و انگیزه^۲ عبارت از یک محرک درونی برای بروز یک اقدام بیرونی توسط انسان. این اقدام می‌تواند فیزیکی، فکری یا هنری باشد.

در واقع انگیزه، ایجاد شوق، حالت یا شرایطی است که انسان را به انجام کار یا قبول عقیده‌ای ترغیب می‌کند (ایمانی، آذرخش و اسماعیل تبار، ۱۳۸۵، ص ۸۳). به عبارتی دیگر انگیزه یک عامل روان‌شناختی است که اشاره به عوامل داخلی دارد و سبب بروز فعالیت در انسان می‌گردد.^۳

طبق نظریه‌ی کلر^۴ (۱۹۸۳) به نقل از فردانش (۱۴۸۳، ص ۱۵۰)، علاقه را می‌توان مرکب از انگیزش و کنجکاوی دانست. شخص برانگیخته و کنجکاو، پس از مواجهه با عناصر جدید، عجیب، نا هماهنگ یا سحر آمیز در خود، به طرف حرکت کرده، سعی می‌کند کشف نماید و برای شناسایی محیط اطرافش علاقه نشان می‌دهد؛ آن را برای یافتن تجارب جدید بررسی می‌کند و سرانجام در جستجوی خود به منظور دستیابی به آگاهی بیشتر، پا فشاری و ممارست می‌نماید. اما پارسا (۱۳۷۴، ص ۱۷۸)، علاقه را در کنار عوامل مهم دیگری مانند نیاز^۵، مشوق^۶، ارزش و نگرش، از دلایل ایجاد انگیزه و بروز تلاش و رفتار آدمی می‌داند.

انواع انگیزه از نظر رده و سطح به دو دسته‌ی زیر تقسیم‌بندی شده‌اند:

۱- انگیزه‌های ابتدایی: انگیزه‌های ابتدایی غیراکتسابی بوده و پایه‌ی فیزیولوژیک دارند؛ (مانند گرسنگی، تشنگی و خواب).

۲- انگیزه‌های ثانوی: انگیزه‌های ثانوی از طریق یادگیری کسب می‌شوند؛ (مانند قدرت، پیشرفت و ...). انگیزه‌های شخصی و اجتماعی جزء انگیزه‌های ثانوی‌اند. البته ارضای انگیزه‌ها، خواهیستی و خواهشخصی و یا اجتماعی و فرهنگی که در برخورد و داد و ستد فرد با مردم

هدف عمده از انجام

پژوهش حاضر، بررسی

رابطه‌ی بین علاقه‌مندی به

رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی

در دروس مهارتی دانش‌آموزان سال سوم

هنرستان‌های کاردانش، ارائه‌ی رهنمودها به

مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی در زمینه‌ی

حل و فصل نسبی برخی مشکلات دانش‌آموزان

شاخه‌ی کاردانش و کمک به سایر پژوهشگرانی

است که به دلیل نوظهور بودن کاردانش و عدم

انجام تحقیقات کافی در این حیطه، با کمبود

اطلاعات مواجه‌اند.

در این پژوهش، هفت فرضیه‌ی ذیل، مورد

بررسی قرار گرفت:

۱. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی رابطه وجود دارد.

۲. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری رابطه وجود دارد.

۳. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی رابطه وجود دارد.

۴. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های دخترانه، رابطه وجود دارد.

۵. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های دخترانه، رابطه وجود دارد.

۶. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های پسرانه، رابطه وجود دارد.

۷. بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های پسرانه، رابطه وجود دارد.

مفهوم علاقه^۲ به معنای داشتن میل و رغبت

برای فعالیت و پرداختن به کار است (پارسا، ۱۳۷۴،

و ارزش‌ها و رویدادها

بدست می‌آیند. بیشتر

از انگیزه‌های ابتدایی، به یادگیری یا آموزش و

پرورش وابسته‌اند. از انواع انگیزه‌های شخصی و

اجتماعی می‌توان به انگیزه‌ی همجنسی اجتماعی^۸،

انگیزه‌ی تأیید اجتماعی^۹، انگیزه‌ی کار، انگیزه‌های

دینی، انگیزه‌ی پیوندجویی، انگیزه‌ی نیاز به قدرت

و سلطه‌جویی، کنجکاوی، شایستگی، تعلق و ...

اشاره کرد (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸ و ۱۸۹).

اما آن انگیزه‌ی شخصی و اجتماعی که مدنظر

این مبحث می‌باشد، انگیزه‌ی پیشرفت (انگیزه‌ی

موفقیت) است. انگیزه‌ی پیشرفت را به صورت

یک میل یا علاقه به موفقیت در یک زمینه‌ی

خاص و یا نیاز اکتسابی برای عملکرد موفقیت‌آمیز

تعریف کرده‌اند. افرادی که انگیزه‌ی پیشرفت

بالایی دارند، سعی می‌کنند کارها را به خوبی انجام

دهند، به موفقیت دست یابند و با دیگران رقابت

کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از دلایل

موفقیت افراد، داشتن انگیزه‌ی پیشرفت بالاست

(www.irib.ir/amouzesh).

نظریه‌ی انگیزه‌ی پیشرفت بر تحقیقات اولیه

هوپ^{۱۰} (۱۹۳۰)، سیرز^{۱۱} (۱۹۴۰)، مک کله‌لند^{۱۲}

(۱۹۶۱)، اکتسیون^{۱۳} (۱۹۶۷) استوار است (گالور و

برنینگ، ترجمه‌ی خرازی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹).

سیف (۱۳۸۰) در کتاب روان‌شناسی پرورشی

بنا به گفته کلیپاتریک^{۱۴} (۱۹۱۹) به نقل از اندرز^{۱۵}

(۱۹۹۸) بیان می‌کند. یادگیری در آموزشگاه باید

هدفمند باشد و یادگیری هدفمند از راه واداشتن

دانش‌آموزان به انجام پروژه‌های مورد علاقه و

انتخاب خودشان بهتر امکان‌پذیر است.

بلوم^{۱۶} (۱۹۶۸) در کتاب ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشگاهی، ترجمه سیف (۱۳۶۴)، سهم رفتارهای ورودی عاطفی یا همان علاقه و انگیزه را در پیشرفت تحصیلی، ۲۵ درصد ذکر می کند (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۵۲).

به عقیده کلر (۱۹۸۳)، انگیزش در محیط های آموزشی بیشتر به انگیزه و فعالیت های یادگیری باز می گردد. انگیزه برای یادگیری از این نظر اهمیت دارد که در صورت فقدان آن، پر جاذبه ترین و سودمندترین آموزش ها، بی نتیجه و بی حاصل خواهد بود و هیچ عامل دیگری نمی تواند، جایگزین آن در یادگیری شود (فردانش، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰).

کارول دمورگ^{۱۸} و همکاران (۱۹۹۷)، بر این عقیده اند که اگر دانش آموزان تشویق شوند تا هدف های شان را بر اساس خواسته های شان انتخاب کنند، انگیزه ی بیشتری خواهند داشت (ابراهیمی قوام، ۱۳۷۶، ص ۳۶).

در ارتباط با موضوع تحقیق، علاوه بر نظریه های مذکور، پژوهش هایی در داخل و خارج از کشور انجام شده که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

امامی قره حاجلو (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که انگیزه ی دانش آموزان در یادگیری زبان انگلیسی، تأثیر زیادی بر میزان پیشرفت تحصیلی آنها در این درس دارد (منبع شماره ۳).

توافق نژاد (۱۳۸۰) در تحقیق خود چنین نتیجه گیری کرد که از دیدگاه دبیران ریاضی، علاوه بر ویژگی های حرف های معلم، ضعف رهبری آموزشی و ویژگی فرهنگ حاکم بر خانواده، مسئله ی وجود حالات نامساعد عاطفی از جمله ارزش، نگرش، گرایش، ناتوانی، عدم نشاط، انزجار و تنفر در درس ریاضی می باشد (منبع شماره ۹).

عطاپور (۱۳۸۰) در پژوهش خود دریافت که بین انگیزه ی پیشرفت تحصیلی با نگرش فردی به تحصیل و متغیرهای شخصیتی در نمونه ی پسران رابطه وجود دارد (منبع شماره ۲۴).

همچنین نصیری (۱۳۷۹) در پژوهش خود دریافت که ۹۹ درصد از دانش آموزان شاخه ی کار دانش، تأثیر عوامل شخصی و فردی و علاقه

به رشته ی تحصیلی را در ایجاد انگیزه ی پیشرفت خود بیش از عوامل دیگر، موثر می دانند (منبع شماره ۳۳).

شریف خلیفه سلطانی و همکاران (۱۳۷۹) بیان کردند چنان که رشته ی تحصیلی یا شغلی فرد با توانایی ها و علاقه های وی متناسب باشد کارآمدی و موفقیت او را به همراه دارد (منبع شماره ۲۰).

تبار نیارمی (۱۳۷۹) در پژوهش های خود به این نتیجه دست یافت که ۸۰ درصد دانش آموزان در حد زیاد و خیلی زیاد معتقدند که آموزش های تئوری و عملی، سبب ایجاد انگیزه به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در آن ها می گردد (منابع شماره ۷).

طالب زاده (۱۳۷۸) در پژوهش های خود این طور نتیجه گیری کرد که بین امکانات آموزشی، معلم، نقش اجتماعی، مشوق های تحصیلی، همبستگی مثبت و معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد (منبع شماره ۲۱).

متقی (۱۳۷۶) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که مشکلات و مسائل عاطفی از جمله عدم علاقه به درس ریاضی، با ۹۹ درصد اطمینان، به عنوان عاملی تأثیرگذار در عدم پیشرفت دانش آموزان در این درس نمایان شد (منبع شماره ۳۱).

کولائیان (۱۳۷۵) با بررسی هایی که انجام داد؛ دریافت که بین عوامل شخصی با علاقه مندی دانش آموزان دختر یا پسر پایه های مختلف دوره تحصیلی متوسطه ی شهرستان ساری رابطه ی مثبت وجود دارد (منبع شماره ۲۹).

طلوع هاشمی (۱۳۷۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که حدود ۸۵ درصد از دانش آموزان از تحصیل در شاخه ی کار دانش رضایت کامل دارند و یا تا حدودی راضی هستند همین طور حدود ۷۵ درصد از آنها از رشته ی خود در شاخه ی کار دانش ابراز رضایت کردند (منبع شماره ۲۲).

در مطالعاتی که توسط مریم نصر در سال ۱۳۶۹ در رابطه با انگیزه و پیشرفت تحصیلی انجام یافت، یافته های قابل توجهی بدست آمد. این مطالعه برای آزمودن این فرضیه بود که دانش آموزان، مایلند در روشی که مورد توجه خاص و علاقه ی آنهاست، اطلاعات بیشتری

گردآوری کنند. نتایج نشان داد که بیشتر پسر ها و تعداد کمی از دخترهایی که علاقه ی شان به علوم طبیعی از نظر رده بندی بالا بود، در مقابل آنها یی که علاقه ی شان به علوم طبیعی از نظر رده بندی، پایین یا متوسط قرار داشت، علوم تجربی را بیشتر از ادبیات فارسی یاد گرفتند (منبع شماره ۳۳).

پژوهش های انجام شده در خارج از کشور، نشان داده اند که اگر با توجه به علایق افراد در دریافت و پردازش اطلاعات به آن ها آموزش داده شود، پیشرفت های تحصیلی آنان افزایش می یابد. (موری^{۱۹}، ۱۹۸۰؛ اسپیرز^{۲۰})

تحقیقات کلاک^{۲۱} در سال ۱۹۹۰ نشان داد که مهارت آموزشی در کار واقعی، موجب افزایش علاقه، ایجاد و حفظ انگیزه ی پیشرفت تحصیلی و یادگیری مستمر و پایدار و گسترش تجربیات کودکان و نوجوانان می گردد.

اتکینسون^{۲۲} (۱۹۸۰) به نقل از بهرامی و رضوان (۱۳۸۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید؛ اشخاصی که از نظر نیاز به پیشرفت تحصیلی در سطح بالایی قرار دارند، نسبت به افرادی که نیاز به پیشرفت تحصیلی ضعیف تری داشتند، بیشتر متمایل به تحصیلات دانشگاهی، کسب نمره ی بالاتر و فعالیت های فوق برنامه هستند.

والبرگ^{۲۳} و همکارانش (۱۹۷۹) در پژوهش خود نشان دادند که انگیزه ی پیشرفت تحصیلی با پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت و مستقیم دارد (سیف، ۱۳۷۴، ص ۳۳۸).

میچل^{۲۴} و همکارانش (۱۹۷۴) در یک پژوهش تطبیقی، چنین نتیجه گرفتند که شاگردان «کم آموز^{۲۵}» در مقایسه با دانش آموزان «بیش آموز^{۲۶}» کمتر مطالعه می کردند، دارای پشتکار و بازده تحصیلی کمتری بودند و از نظر هدف های شغلی و علمی در سطح پایین تری قرار داشتند. چنانچه مشاهده می شود کم آموزی و بیش آموزی در درس و تحصیل، به طور مستقیم با عامل انگیزه ارتباط دارد (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۱۹۱).

دو تن از روان شناسان به نام های فرانسس و سورنسن^{۲۷} در سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ از آزمایش های خود در مورد علاقه، نتیجه گرفتند؛ پسرانی که به آموختن علوم علاقه داشتند، پیشرفت شان در علوم - نه در ادبیات و علوم انسانی - بیشتر از آنها یی بود که علاقه ی متوسط داشتند.

از سوی دیگر، علاقه‌ی دخترانی که به ادبیات در سطح بالا بود، پیشرفت‌شان نه تنها در ادبیات، بلکه در علوم نیز بیشتر از آنهایی قرار داشت که علاقه‌شان به ادبیات در سطح متوسط یا پایین بود (پارسا، ۱۳۷۶، ص ۱۸۳).

بنا بر پژوهش‌های اتکینسون (۱۹۶۷) اشخاصی که انگیزه‌ی پیشرفت زیادی دارند، در تکالیفی که درجه‌سختی متوسطی داشتند توفیق زیادی به دست می‌آورند (جلالی و سرعتی، ۱۳۸۸، ص ۸).

یافته‌های رینگنس^{۲۸} (۱۹۶۵) و بسیاری دیگر نشان می‌دهند که بین انگیزه‌ی پیشرفت و پیشرفت تحصیلی، رابطه‌ی مثبت، وجود دارد (سیف، ۱۳۷۶، ص ۹۳).

مک کله‌لند^{۲۹} در پژوهش خود دو گروهی را که از نظر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی باهم متفاوت بودند، به انجام تکلیف واحدی واداشت. تکلیف این بود که آزمودنی‌ها، حروف مخلوط شده‌ای که به آنها داده می‌شد، به کلمات معنی‌دار تبدیل می‌کردند. در آغاز کار، هر دو گروه، عملکرد مشابهی داشتند، اما با پیشرفت و ادامه‌ی آزمایش، گروهی که دارای انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی بیشتری بودند، جلو افتادند (سیف، ۱۳۷۳، ص ۳۵۲).

روش تحقیق

چون هدف پژوهش، بررسی رابطه‌ی دو متغیر است، از روش تحقیق همبستگی^{۳۰} یا تحقیق همخوانی^{۳۱} استفاده می‌شود (حسن زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۳۴).

در این پژوهش، از همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای^{۳۲} استفاده می‌گردد زیرا هدف این است که بین دو متغیر پیوسته (پیشرفت تحصیلی) و دو مقولگی یا دو ارزشی (علاقه به رشته‌ی تحصیلی) ضریب همبستگی بدست آید. منظور از دو ارزشی آن است که تنها از دو مقدار، یک چیز را شامل می‌شود، مانند بله - خیر (سیف، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷).

جامعه‌ی آماری این تحقیق، کلیه‌ی دانش‌آموزان سال سوم هنرستان‌های کار دانش شهرستان محمودآباد مازندران (۳۳۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ می‌باشند (N=۳۳۰).

طبق جدول تعیین فراوانی نمونه، از روی فراوانی جامعه‌ای (جدول کرجسی و مورگان) نمونه‌ی آماری، ۱۸۱ نفر است (n=۱۸۱).

ابتدا به وسیله‌ی پژوهش و اطلاعاتی اینترنتی، به یافته‌های پژوهش‌های قبلی و آرای نظریه‌پردازان تربیتی دست یافته، سپس در موقعیت میدانی، پژوهش انجام گرفت. جهت گردآوری داده‌های پژوهش حاضر در موقعیت میدانی، پس از اخذ مجوز لازم از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان محمودآباد مازندران برای مراجعه به هنرستان‌های کار دانش این شهرستان، در چندین مرحله به مدارس مورد نظر مراجعه و با همکاری مدیر، معاون و دانش‌آموزان، آمار دانش‌آموزان سال سوم به تفکیک رشته‌ی تحصیلی دریافت شد. سپس با مصاحبه با دانش‌آموزان و دریافت مشاهداتی لیست نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی دروس مهارتی آنان در خرداد ماه ۱۳۸۸، داده‌های مورد نیاز به دست آمد.

برای سنجش نظرات افراد مورد مطالعه و آزمون فرضیه‌های تحقیق برای متغیر مستقل این پژوهش، (علاقه به رشته تحصیلی) از روش مصاحبه و پرسش یک سوال که آیا به رشته تحصیلی خود علاقه مند هستید؟ (بله، خیر)، استفاده شد.

جهت روایی^{۳۳} صوری (ظاهری) و

محتوایی این روش، از نظر متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان، استاد راهنما و استاد مشاور مربوطه و تجربیات چند ساله‌ی همکاران خود در هنرستان کار دانش بهره‌جستم و با توجه به مشخص بودن متغیر مستقل، روش مصاحبه را واضح‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین راه دستیابی به هدف اصلی پژوهش خویش یافتم.

جهت پایایی^{۳۴} روش مصاحبه برای متغیر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی، این مصاحبه از ۳۰ نمونه به فاصله چند روز، انجام گرفت و برای این که آزمون شوندرگان، تحت تاثیر آرای اکثریت

قرار نگیرند، این مصاحبه به صورت انفرادی انجام گرفت و هر ۲ بار پاسخ یکسانی دریافت شد که پایایی روش مصاحبه را تایید می‌کند. جهت پایایی سوالات آزمون دروس مهارتی که برای ارزیابی متغیر پیشرفت تحصیلی استفاده گردید، از طریق دو نیمه کردن آزمون و با استفاده از فرمول اسپیرمن-براون^{۳۵} برگه‌های امتحانی ۱۰ دانش‌آموز دختر و ۲۰ دانش‌آموز پسر از رشته‌های مختلف، به روش تصادفی ساده، مورد ارزیابی قرار گرفت، ضریب همبستگی بین نیمه‌های آزمون و ضریب کل پایایی آزمون در دختران به ترتیب (۰/۷۴) و (۰/۸۵) و در پسران به ترتیب (۰/۷۰) و (۰/۸۲) به دست آمد که پایایی کل آزمون را تایید کرد (سیف، ۱۳۸۶، ص ۴۵۱).

پس از اطمینان از روایی و پایایی، مصاحبه انفرادی اواخر سال تحصیلی (در اواخر اردیبهشت ۱۳۸۸) از فرد نمونه‌ها انجام گرفت. جهت افزایش دقت و نظارت در کار، خود شخصاً جهت مصاحبه به هنرستان‌ها مراجعه نمودم. پس از برگزاری آزمون مهارتی نمرات اکتسابی آنان، گردآوری و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دو روش آمار توصیفی^{۳۶} و استنباطی^{۳۷}، استفاده شد.

نتایج و یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های آمار توصیفی و همچنین محاسبه‌ی آمار استنباطی در نمونه‌های آماری این نتایج به دست آمد:

۱- در فرضیه‌ی شماره یک، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای (r_{pbis} = +۰/۷۷) محاسبه گردید. چون I محاسبه شده (t = ۱۶/۱۴) در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی (t_α = ۲/۵۷۶) شده است، لذا هم بستگی بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی در دروس مهارتی از لحاظ آماری معنا دار است.

بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه ۱ پژوهش تایید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. نتیجه نهایی بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی،

رابطه مستقیم وجود دارد.

۲- در فرضیه شماره ۲، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.74)$ محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 14/72)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/576)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. نتیجه نهایی علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس نظری، رابطه‌ی مستقیم دارد.

۳- در فرضیه‌ی شماره‌ی سه، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.78)$ محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 16/67)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/576)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی صفر رد و فرضیه‌ی ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. نتیجه‌ی نهایی این که علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی، رابطه‌ی مستقیم دارد.

۴- در فرضیه‌ی شماره‌ی چهار، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.79)$ محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 18/64)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/660)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های دخترانه، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه‌ی صفر رد و فرضیه‌ی ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. نتیجه‌ی نهایی این که علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های دخترانه رابطه‌ی مستقیم دارد.

۵- در فرضیه‌ی شماره پنج، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.70)$

محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 6/58)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/660)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های دخترانه، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه‌ی ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. نتیجه‌ی نهایی این که علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های دخترانه رابطه‌ی مستقیم دارد.

۶- در فرضیه‌ی شماره شش، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.72)$ محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 11/92)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/576)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های پسرانه، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه‌ی ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. نتیجه‌ی نهایی این که علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های پسرانه رابطه‌ی مستقیم دارد.

۷- در فرضیه‌ی شماره هفت، ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای $(r_{pbis} = +.86)$ محاسبه گردید. چون t محاسبه شده $(t_p = 19/36)$ در سطح اطمینان ۹۹٪ (حد اکثر خطا: ۱٪) بزرگتر از t جدول بحرانی $(t_c = 2/576)$ شده است، لذا همبستگی بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های پسرانه، از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه‌ی ۱ تحقیق تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه را به جامعه‌ی آماری تعمیم داد. نتیجه‌ی نهایی این که علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های پسرانه رابطه‌ی مستقیم دارد.

نتیجه‌گیری

۱. یافته‌های فرضیه یک، نشان می‌دهد که

بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی رابطه وجود دارد. این نتیجه، یا نتایج پژوهش اخلاقی (۱۳۷۸) دارای همخوانی است. آن پژوهش نشان می‌دهد که بین علاقه‌مندی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، همبستگی مثبت و معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. همچنین یافته‌های نتیجه‌ی فوق با تحقیقات موری، (۱۹۸۰) اسپرز، (۱۹۸۳) ستل، (۱۹۸۹) کلاوس، (۱۹۹۴) بریو، (۱۹۹۵) سولیوان، (۱۹۹۷-۱۹۹۶) و لاولیس (۲۰۰۲) همسوست که نشان دادند اگر با توجه به علایق افراد در دریافت و پردازش اطلاعات به آن‌ها آموزش داده شود، پیشرفت تحصیلی آنان افزایش می‌یابد.

کولاییان، (۱۳۷۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که عوامل شخصی، در ایجاد علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مدرسه مؤثر است و عطاپور، (۱۳۸۰) در پژوهش خود دریافت که بین نگرش فردی به تحصیل و متغیرهای شخصیتی و انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد و نصیری (۱۳۷۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسد که ۹۹ درصد از دانش‌آموزان شاخه‌ی کاردانش، تأثیر عوامل شخصی و علاقه به رشته‌ی تحصیلی را در ایجاد انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی خود بیش از عوامل دیگر مؤثر می‌دانند. همچنین پژوهش‌های والبرگ و همکاران، (۱۹۷۹)، میچل و همکاران، (۱۹۷۴) اتکینسون، (۱۹۶۷-۱۹۸۰)، رینگس، (۱۹۶۵) و مک کله لند، (۱۹۶۱) و بسیاری دیگر نشان داد که بین انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. بنابراین با تلفیق و ترکیب نتایج پژوهش‌های کولاییان، عطاپور و نصیری در کنار پژوهشگرانی که در زمینه‌ی رابطه‌ی انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی با پیشرفت تحصیلی، به نتایج مثبتی دست یافتند، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که بین علاقه به تحصیل و انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و در نتیجه بین علاقه به تحصیل و پیشرفت تحصیلی، رابطه‌ی مستقیم وجود دارد که این نتیجه‌ی کلی با یافته‌های فرضیه‌ی یک مطابقت دارد.

۲. یافته‌های فرضیه‌ی دو، نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت

جدول سباه‌ی نتایج آمار توصیفی و استنباطی به دست آمده در این تحقیق به تفکیک فرضیه‌ها

فرضیه‌ی آماری	فرضیه‌ی شماره ۱	فرضیه‌ی شماره ۲	فرضیه‌ی شماره ۳	فرضیه‌ی شماره ۴	فرضیه‌ی شماره ۵	فرضیه‌ی شماره ۶	فرضیه‌ی شماره ۷
n_i	۱۸۱	۱۸۱	۱۸۱	۴۷	۴۷	۱۳۴	۱۳۴
$\sum x_i$	۲۹۵۰/۳	۲۸۴۱/۷	۳۰۵۸/۹	۷۲۳/۸	۷۸۰/۲	۴۱۲۴	۲۳۰۴/۸
\bar{x}_i	۱۶/۳	۱۵/۷	۱۶/۹	۱۵/۴	۱۶/۶	۱۶	۱۷/۲
s_i^2	۴/۷	۴/۲	۲/۸	۴/۵	۶/۷	۳/۵	۰/۸
s_i	۲/۲	۲/۰۴	۱/۷	۲/۱	۷/۶	۱/۹	۰/۹
n_p	۱۴۲	۱۴۲	۱۴۲	۳۶	۳۶	۱۰۶	۱۰۶
p	۰/۷۸۵	۰/۷۸۵	۰/۷۸۵	۰/۷۶۶	۰/۷۶۶	۰/۷۹۱	۰/۷۹۱
q	۰/۲۱۵	۰/۲۱۵	۰/۲۱۵	۰/۲۳۴	۰/۲۳۴	۰/۲۰۹	۰/۲۰۹
\bar{x}_p	۱۷/۲	۱۶/۵	۱۷/۶	۱۶/۳	۱۷/۶	۱۶/۷	۱۷/۶
r_{pbis}	+۰/۷۷	+۰/۷۴	+۰/۷۸	+۰/۷۹	+۰/۷۰	+۰/۷۲	+۰/۸۶
df	۱۷۹	۱۷۹	۱۷۹	۴۵	۴۵	۱۳۲	۱۳۲
(α) درصد خطا	χ_1	χ_1	χ_1	χ_1	χ_1	χ_1	χ_1
t_r	۱۶/۱۴	۱۴/۸۳	۱۶/۶۷	۸/۶۴	۶/۵۸	۱۱/۹۲	۱۹/۳۶
t_c	۲/۵۷۶	۲/۵۷۶	۲/۵۷۶	۲/۶۶۰	۲/۶۶۰	۲/۵۷۶	۲/۵۷۶

n_i : فراوانی نمونه‌ی آماری

$\sum x_i$: مجموع نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی

\bar{x}_i : میانگین نمرات همه‌ی آزمودنی‌ها در آزمون پیشرفت تحصیلی

s_i^2 : واریانس همه‌ی نمرات در آزمون پیشرفت تحصیلی

s_i : انحراف معیار همه‌ی نمرات در آزمون پیشرفت تحصیلی

n_p : فراوانی آزمون شدگانی که در آزمون دو ارزشی (مصاحبه)، نمره‌ی یک گرفته‌اند. (به رشته‌ی تحصیلی خود، علاقه‌مند بوده‌اند.)

p : نسبت آزمون شدگانی که در آزمون دو ارزشی (مصاحبه)، نمره‌ی یک گرفته‌اند. به کل آزمون - شونده‌گان

q : نسبت آزمون شدگانی که در آزمون دو ارزشی (مصاحبه)، نمره‌ی صفر گرفته‌اند. به کل آزمون‌شونده‌گان ($q=1-p$)

\bar{x}_p : میانگین نمرات آزمون پیشرفت تحصیلی برای همه‌ی آزمون شدگانی که در آزمون دو ارزشی (مصاحبه)، نمره‌ی یک گرفته‌اند.

r_{pbis} : ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای.

df: درجه‌ی آزادی

p: درصد خطا

t_r : محاسبه شده

t_c : بحرانی

نصر، (۱۳۶۹) در تحقیق خود بیان داشت که تعداد کمی از دخترهایی که علاقه‌ی شان به علوم طبیعی از نظر رده‌بندی بالا بود، در مقابل آن‌هایی که علاقه‌ی شان به علوم طبیعی از نظر رده‌بندی پایین یا متوسط قرار داشت، علوم تجربی را بیشتر از ادبیات فارسی یاد می‌گرفتند؛ این نتیجه با نتیجه‌ی فرضیه‌ی چهارم این پژوهش همخوانی ندارد و رابطه‌ی معناداری میان علاقه به درس و پیشرفت تحصیلی در دختران وجود ندارد.

۵. یافته‌های فرضیه پنجم، نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های دخترانه رابطه وجود دارد. این نتیجه، با نتیجه پژوهشی که در سال ۱۳۶۴ از سوی وزارت آموزش و پرورش در شهرستان قزوین انجام شد، همخوانی دارد. این پژوهش نشان داد دانش‌آموزانی که به تحصیل علاقه ندارند، با شکست تحصیلی روبرو می‌شوند. همچنین طالب‌زاده، (۱۳۷۸)، در پژوهش خود، عوامل انگیزشی را از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی ذکر می‌کند. بنابراین با توجه به دو پژوهش انجام شده، می‌توان گفت دانش‌آموزان بی‌علاقه به تحصیل، با فقدان یا کمبود انگیزه از جمله انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی روبرو هستند، در نتیجه دچار افت تحصیلی می‌شوند و شکست تحصیلی پیش می‌آید. این یافته، با نتایج فرضیه‌ی شماره ۵ مطابقت دارد.

۶. یافته‌های فرضیه ۶ نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های پسرانه رابطه وجود دارد. این نتیجه، با نتایج فرانسو و سورنسن (۱۹۶۸، ۱۹۶۹) که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند، پسرانی که به آموختن علوم علاقه داشتند، پیشرفت‌شان در علوم

سه، همسوست. ۴. یافته‌های فرضیه چهارم، نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی نظری در هنرستان‌های دخترانه رابطه وجود دارد. این نتیجه، با نتیجه پژوهش (فرانسو و سورنسن ۱۹۶۹ و ۱۹۶۸) که نشان می‌داد؛ علاقه‌ی دخترانی که به ادبیات در سطح بالا است، پیشرفت تحصیلی‌شان نه تنها در ادبیات بلکه در علوم نیز بیشتر از آن‌هایی بود که علاقه‌شان به ادبیات در سطح متوسط یا پایین قرار داشت، مطابقت دارد. همچنین امامی، (۱۳۸۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ۷۳/۶۵ درصد از دانش‌آموزان دختر معتقدند انگیزه‌ی دانش‌آموزان در یادگیری درس نظری زبان انگلیسی، تأثیر زیادی بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها در این درس دارد. این نتیجه نیز با یافته‌های فرضیه‌ی شماره چهارم این پژوهش، همسوست. اما

تحصیلی در دروس مهارتی نظری رابطه وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های توافق‌نژاد، (۱۳۸۰) و متقی، (۱۳۷۶) مطابق است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عدم علاقه به درس نظری ریاضی، به عنوان عامل تأثیرگذار در عدم پیشرفت دانش‌آموزان در آن درس مشهود است.

۳- یافته‌های فرضیه ۳، نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی رابطه وجود دارد. این نتیجه، گفته‌ی پاتریک، (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند که اظهار داشت: «اگر دانش‌آموزان، پروژه‌های مورد علاقه‌ی خودشان را انجام دهند، یادگیری هدفمند بهتر امکان‌پذیر است.» همچنین کلاگ (۱۹۹۰) در تحقیق خود نشان داد که کسب مهارت، موجب افزایش علاقه و در نتیجه موجب انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و یادگیری مستمر و پایدار می‌گردد. این نتیجه نیز با یافته‌های فرضیه‌ی

بیشتر از آن‌هایی بود که دارای علاقه‌ی متوسط بودند، همخوانی دارد. همچنین نصر، (۱۳۶۹) در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافت که اکثر پسرهایی که علاقه‌شان به علوم طبیعی از نظر رده‌بندی، بالا بود، در مقابل آن‌هایی که علاقه‌شان به علوم طبیعی از نظر رده‌بندی در سطح پایین یا متوسط قرار داشت، علوم تجربی را بیشتر از ادبیات فارسی یاد می‌گرفتند. بنابراین این نتیجه نیز با نتایج فرضیه‌ی شماره‌ی ۶ همسوست.

۷. یافته‌های فرضیه ۷، نشان داد که بین علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دروس مهارتی عملی در هنرستان‌های پسرانه رابطه وجود دارد. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش طلوع هاشمی (۱۳۷۳) که بیان می‌دارد ۸۵ درصد از دانش‌آموزان کاردانش از تحصیل در شاخه‌ی کاردانش رضایت دارند و یا تا حدودی راضی هستند و ۷۵ درصد از آن‌ها از رشته‌ی تحصیلی خود رضایت دارند. و پژوهش تبار نیارمی (۱۳۷۹) که به این نتیجه دست یافته است که ۸۰ درصد از دانش‌آموزان پسر هنرستان‌های کاردانش در حد زیاد و خیلی زیاد معتقدند که آموزش‌های نظری و عملی، سبب ایجاد انگیزه به ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر می‌گردد و همچنین پژوهش‌های شریف خلیفه سلطانی و همکاران، (۱۳۷۹) که نشان داد اگر رشته‌ی تحصیلی با توانایی‌های و علاقه‌های فرد متناسب باشد، کارآمدی و موفقیت او را به همراه دارد همخوانی دارد. بنابراین با تلفیق نتایج سه پژوهش فوق با پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رضایت‌مندی از رشته‌ی تحصیلی، می‌تواند عاملی جهت علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی باشد و در نتیجه، انگیزه برای آموزش در دروس نظری و عملی افزایش می‌یابد و در نهایت موجب انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی می‌گردد.

پیشنهادهای کاربردی

- پیشنهاد می‌گردد به دانش‌آموزان سال اول دبیرستان که قصد ورود به هنرستان کاردانش را دارند، توصیه شود با مشاوران مدارس، کارشناسان، هنرآموزان و هنرجویان شاخه‌ی کاردانش را مشورت نمایند و حتماً علاقه و استعداد خود را در رشته‌ی مهارتی، شناسایی نموده و براساس علاقه به رشته‌ی تحصیلی، اقدام به انتخاب رشته در هنرستان کاردانش نمایند تا در آینده، شاهد سرخوردگی و افت تحصیلی احتمالی خود نباشند.

- به مدیران هنرستان‌های کاردانش و مسئولین ذی‌ربط در رده‌های بالاتر پیشنهاد می‌گردد، جهت تداوم و افزایش علاقه‌ی دانش‌آموزان علاقه‌مند و یا ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان بی‌علاقه و بی‌انگیزه، تمهیداتی جهت ایجاد و افزایش علاقه و پیشرفت تحصیلی در نظر بگیرند؛ از جمله‌ی این زمینه‌سازی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد. ۱- برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده با حضور کارشناسان، ۲- ایجاد رابطه‌ی عاطفی با دانش‌آموزان، ۳- مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های مدرسه و استفاده از دبیران و هنرآموزان ماهر و علاقه‌مند به تدریس و به‌روز رسانی دانش آن‌ها با مجلات و کلاس‌های ضمن خدمت، ۴- زیباسازی فضای آموزشی، ۵- ایجاد تجهیزات و امکانات لازم در کارگاه‌های هنرستان با تخصیص بودجه و اعتبار کافی، ۶- ارزیابی وضعیت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در پایان هر نیم‌سال تحصیلی و بررسی دلایل افت تحصیلی احتمالی با حضور مسئولان، مشاوران، دبیران، روان‌شناسان و صاحب‌نظران مربوطه، ۷- مشاوره با دانش‌آموزان کم‌علاقه و بی‌علاقه به رشته‌ی تحصیلی خود، ۸- استفاده از آخرین یافته‌ها و نوآوری‌های علم مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی ۹- کاربست روش‌های فعال تدریس و یادگیری دروس مهارتی.

به برنامه‌ریزان آموزشی پیشنهاد می‌گردد نوع سؤالات آزمون کتبی دروس مهارتی را از سؤالات چهارگزینه‌ای مانند سایر دروس به انواع سؤالات باز و بسته تغییر دهند تا سنجش و ارزیابی پیشرفت تحصیلی، دقیق‌تر صورت گیرد.

پیشنهادهایی برای محققان

- عناوین پژوهشی زیر برای سایر محققان علاقه‌مند جهت بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد دیگر موضوع پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی رابطه‌ی بین علاقه‌مندی به تحصیل و پیشرفت تحصیلی در مقاطع و سطوح دیگر

- بررسی مقایسه‌ی میزان علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی در ابتدای ورود به هنرستان کاردانش با میزان علاقه‌مندی هنگام فارغ‌التحصیلی از هنرستان.

- بررسی مقایسه‌ی میزان علاقه‌مندی به رشته‌ی تحصیلی در رشته‌های مختلف کاردانش.

- بررسی مقایسه‌ی پیشرفت تحصیلی در رشته‌های مختلف کاردانش.

- بررسی مقایسه‌ی عوامل ایجاد علاقه به رشته‌ی تحصیلی از دیدگاه هنرآموزان، هنرجویان، مدیران و مشاوران هنرستان‌های کاردانش.

پی‌نوشت

1. academic achievement
2. interest
3. Motive
4. www. research-papers.blogfa.com
5. Keller
6. need
7. incentive
8. Social comparison
9. Social Approval
10. Hoppe
11. Scars
12. MC. Clelland
13. Atkinsons-5 battle

14. Kilpatrick
15. Anders
16. Benjamin. S. Bloom
17. Keller
18. Carol, Demog
19. murray
20. spires
21. W.K. kellogg
22. Atkinson
23. Walberge
24. Mitchell.R.R. and paitkowska o.E
25. underachiever
26. over achiever
27. Frandson and Sorenson
28. Ringness
29. Mc clelland
30. Correlational research
31. associational
32. Point biserial correlation
33. validity
34. reliability
35. spearman- Brawn formula
36. descriptive
37. inferential statistics

منبع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۷۶). انگیزه، تئوری‌ها و راهبردهای آن، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره ۱۰، ص ۳۶.
۲. اخلاقی، فرشاد. (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین علاقه‌ی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانش‌جویان مراکز آموزش کشاورزی در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۷۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت معلم، دانشکده‌ی علوم تربیتی، برگرفته از: [www.adbase.ac.ir](http://www.adbase.ac.ir/irandoc/00293/)
۳. امامی قره حاجلو، جلوه. (۱۳۸۲). بررسی عوامل عمده مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه‌ی شهرستان قائم‌شهر در درس زبان انگلیسی از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۴. ایمانی، محمدنقی و آذرخش، تقی و اسماعیل تبار، مهدی. (۱۳۸۵). مدیریت از آغاز تا پست مدرن، تهران: فرهنگ سبز، چاپ دوم، ص ۸۳.
۵. بهرامی، فاطمه و رضوان، شیوا. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های آموزشی آنان در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، نشریه‌ی پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۲، ص ۶۳.
۶. پارسا، محمد. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی، تهران: سخن، صص ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱.

۷. تبارنیرمی، محمد. (۱۳۷۹). بررسی میزان موفقیت دانش‌آموزان پسر شاخه‌ی کاردانش در آموزش‌های تئوری و عملی دوره‌ی تحصیلی متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان‌های بهشهر و نکا در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۸. تکمیل همایون، غلامحسین. (۱۳۷۹). تغییر نظام آموزش متوسطه، چرا و با چه هدفی انجام گرفت، فصلنامه‌ی کاردانش، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۰ و ۱۱.
۹. توفانزاد، مریم. (۱۳۸۰). بررسی علل عدم موفقیت دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی در درس ریاضی از دیدگاه دبیران استان گلستان در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۱۰. جلالی، صدیقه و سرعتی، داریوش. (۱۳۸۸). تقویت انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان، هفته‌نامه‌ی نگاه، شماره ۳۸۷، ص ۸.
۱۱. حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: ساوالان.
۱۲. رضایی، موسی. (۱۳۸۴). آموزش و پرورش و انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان، ماهنامه‌ی تربیت، سال ۲۱، شماره ۶، ص ۵۲.
۱۳. ربسمانچیان، مجید. (۱۳۸۸). ضرورت‌ها و موانع توسعه‌ی متوازن در آموزش‌های شاخه‌ی کاردانش، فصلنامه‌ی رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره‌ی چهارم، شماره ۴، ص ۱۵.
۱۴. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روان‌شناسی پرورشی، تهران: نیل، ص ۳۵۲.
۱۵. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روان‌شناسی پرورشی، تهران: نشر ویرایش، ص ۳۳۸.
۱۶. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: آگاه، چاپ هیجدهم، ص ۹۳.
۱۷. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روان‌شناسی پرورشی، تهران: آگاه، چاپ اول، ویراست نو، ص ۱۰۵.
۱۸. سیف، علی اکبر. (۱۳۷۳). روش تپه‌ی پژوهشنامه، تهران: دوران، چاپ سوم.
۱۹. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، تهران: دوران، چاپ بیست و دوم صص ۳۳۷ و ۴۵۱.
۲۰. شریف خلیفه سلطانی، مصطفی واحمدی، سید احمد و کرلایی، محمد. (۱۳۷۹). بررسی میزان همبستگی بین شاخه‌های هدایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم و نگرش آن‌ها نسبت به رشته‌ی انتخابی خود در دبیرستان‌های شهر کاشان در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸. برگرفته از www.Sid.ir/fa/id=9665viewpaper
۲۱. طالب‌زاده، میترا. (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موفق سال سوم راهنمایی شهرستان اهواز در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷، پروژه‌ی مرکز تحقیقات اداره کل استان خوزستان.
۲۲. طلوع هاشمی، سیدمرتضی. (۱۳۷۳). بررسی چگونگی اجرای شاخه‌ی کاردانش آموزش و پرورش و مشکلات اجرایی آن در استان خراسان در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱.

- (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری).
۲۳. عباس‌پور، اسکندر. (۱۳۸۶). برنامه‌ی سنواتی سال ۸۷-۱۳۸۶. معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی استان مازندران، ساری: انتشارات هاشمی، ص ۲۲۱.
۲۴. عطاپور، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی راهنمایی شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی و شخصیتی آنان در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹. برگرفته از: www.4k-aspx.Gavki.blogfa.com/post11 (تاریخ مشاهده از اینترنت: ۱۳۸۷/۱۲/۲۳).
۲۵. علی‌آبادی، خدیجه. (۱۳۸۳). هنجاریابی سباه‌بنده‌ی یادگیری دان و پرایس و مقایسه‌ی سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی و پایه‌ی سوم راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، رساله‌ی دکترا، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲۶. فتحی‌نیا، نصرت. (۱۳۷۳). مسائل بزرگ آموزش و پرورش در جهان، تهران: نصرت، ص ۲۴۵.
۲۷. فردانش، هاشم. (۱۳۸۳). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران: سمت، چاپ ششم، ص ۱۵۰.
۲۸. کولاییان، حبیب‌الله. (۱۳۷۵). بررسی عوامل شخصی و مدرسه در علاقه‌مندی دانش‌آموزان شهرستان ساری ناحیه یک در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۲۹. گلپور، جان. ای و برونینگ، راجر. اچ. (۱۳۸۲). روان‌شناسی تربیتی، اصول و کاربرد آن (ترجمه‌ی علی‌نقی خرازی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم، ص ۲۷۹.
۳۰. متقی، خدیجه. (۱۳۷۶). بررسی علل عدم موفقیت دانش‌آموزان نظام جدید در شهرهای ساری، بابل و قائم‌شهر در درس ریاضی در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
۳۱. معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۷۵). کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، تهران: مؤلف، چاپ پنجم، ص ۳۲.
۳۲. نصیری، فخرالسادات. (۱۳۷۹). بررسی مقایسه‌ای تأثیر عوامل مؤثر بر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شاخه‌ی کاردانش شهرستان ساری در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

(تاریخ مشاهده: ۱۳۸۷/۱۱/۸)
www.irib.ir/amouzesah/j/ravanshenasi/page3-17

ب) انگلیسی

۱. Gardner, R.C. (1985). The role of attitudes and motivation. <http://www.researchpaper.blogfa.com/author-le-d.aspx-35k> (تاریخ مشاهده: ۱۳۸۷/۱۱/۸)
۲. Kellog, W.K. (1990). Teaching to serving to learn. (تاریخ مشاهده: ۱۳۸۷/۱۱/۸) <http://www.learningindead.org>
www.learningindead.org